

## در رابطه با مقاله آقای رضاتقی زاده گل باش، نه خس و خاشاک

امیرفیض- حقوقدان

مقاله آقای کوروش اعتمادی در رابطه با فدراتیورا خواندم از پاسخ آقای رضا تقی زاده هم بهره مند گردیدم، ولی حاصل آن بهره مندی، حیرتی است که چیزی از بهره مندی باقی نمیگذارد.

در جزوه (مبارزه) که در سالهای حدود ۵۸ در لندن منتشر شده بود یادم هست که نوشته بود که فراموش شدنی نیست تقریباً به این معنی:

«مردم از لحاظ اعتقاد به سه دسته تقسیم میشوند؛ دسته ای که اعتقاد را از مجرای شخصیت دیگران کسب میکنند، اینها بمثابه تیغ هائی هستند که کنار گل ها روئیده میشوند. دوم - دسته ای که اعتقاد، مکتسبه از عقل و فطرت و تشخیص خود آنهاست این ها خود گل هستند، و دسته سوم آنها که بهر اعتقادی تن میدهند بشرطی که خودشان مصدر حرکت آن اعتقاد باشند اینها گردو غبار هستند که هم برگل نشینند و هم بر خاروهم بر هر کتافتی، فقط برای اینکه دیده شوند»

تحریر حاضر در این مقام است که گفته باشد، آقای رضا تقی زاده ممکن است در دسته بندی بالا ردیف سوم قرار داشته باشند؛ یعنی گردو خاکی هستند که هر جا افتادند، افتادند بشرطی که مطرح باشند این تحریر امیدوار و ناظر است، که ایشان با بازبینی در خود، در ردیف اول جای برجسته ای پیدا کنند و همواره گل باشند نه خس و خاشاک



مقاله اخیر آقای رضا تقی زاده که به حمایت از یکپارچگی ایران شهادت میدهد، میتواند ظفری باشد بر ملاحظاتی تجزیه طلبی که در سطح وسیعی در خارج از کشور به حمایت آمریکا فعال است. ولی متأسفانه همانقدر که حباب، در تغییر آب دریا موثر است، مقاله و گفته های ایشان در نکوهش از تجزیه طلبی تاثیرگذار خواهد بود.

میدانید چرا؟ زیرا به مصداق «سخن چون ازدل براید لاجرم بردل خواهد نشست» نوشته ایشان بردل نمینشیند نوشته، همه چیز میتواند باشد و گاهی و کمتر، هم حرف دل را بیان میکند. فرهنگ و ادب ایرانی این مهم را در ضرب المثل های بسیاری از قبیل واعظ غیرمتعظ - رطب خورده منع رطب کی کند وامثال آنها متذکر شده.

حافظ بابیت معروف خود، سامانه مطلب را محکم و غیرقابل بحث ساخته است؛

واعظان کین جلوه در محراب و منبر میکنند      چون به خلوت میروند آنکار دیگر میکنند

چنانکه ملاحظه دارید بیت حافظ شامل کسانی است که در خلوت یک کارودرعام کاردیگرمیکنند. اینها کسانی هستند که قائل به قبح عمل خودشان میباشند و آنقدر قوه درک دارند که نسبت به اعمال و قیح، بی پروا نباشند و لاجرم توسل به خلوت و استتار رابکارمیبرند ولی کمترکسانی دیده میشوند که وقاحت و پروائی آنان در حدی است که به خلوت و عام برایشان یکسان است.

حالتی که ذکرشد متاسفانه درنوشته وسابقه وروش آقای تقی زاده درخارج ازکشوردیده میشود؛ ایشان هم درظاهرو آشکارا قطعنامه شورای تجزیه طلبان وماده ۱۱ آنرا امضا کرده وپس ازگذشت حدود دو سال هنوزهم به آن وفاداری خودشان را اعلام میکنند وهم درمقاله اخیرشان تجزیه کشور وفدراتیو شدن را مذموم دانسته اند.

این تعارض مفهومی اگر بحساب عدم درک آثار تجزیه کشور و فدراتیو گذاشته نشود بطورطبی در مسیر فرصت طلبی، خودنمایی ونمایشی ازمنیت قرارخواهد گرفت؛ که اتهامی به مراتب سنگین تر از نادانی است.

ایشان نه تنها پیشقدم درامضای قطعنامه تجزیه ایران (ماده ۱۱) آن شد بلکه امروز هم عضو کنگره همبستگی ومخلفات آن میباشد که دوسال قبل ازتشکیل اسمی شورای تجزیه طلبان، تجزیه کشور با عبارتی درمفهوم، مشترک ودروازه ها، کمی سبکتر در آرمان نامه کنگره پیاده شده بود وپس از آن بود که ایشان باامضای قطعنامه شورا به حقانیت تجزیه ایران! شهادت کتبی داده یعنی آنرا امضا کرده است و از آن تاریخ تا کنون با آنکه ماده ۱۱ قطعنامه شورا مرکز ثقل اعتراضات بوده است؛ نه تنها هیچ سندی ویاظهاری به معنای عدول از آن امضا ورد جانبداری خودشان ازاجرای ماده ۱۱ ازایشان دیده نشده بلکه درگفتگوی اخیرشان هم برتاکید وادامه موافقت خودشان با ماده ۱۱ اشاره مستقیم داشتند وتوضیح دادند که اگرباشورا همکاری نمیکند بمناسبت اخلاق خاتم نازیلا گلستان و آقای رضا پیرزاده است.

این تعارض، خواننده متفکررا منقرض فکری میکند که آیا بایک انسان ونوشته او سروکاریافته ویا با خاک وخاشاک که <بهرطرف که باد ویا مستی عقل بود به همتاجا افتادنی است>.

مخالفت ایشان با مسئله فدراتیو کردن کشورکه مورد حمایت آقای کوروش اعتمادی و یاران اسمی ایشان است، نه ازباب فدراتیو و آسیبی است که به تمامیت ارضی ایران وارد میسازد بلکه ازاین نظر است که اگر بجای آقایان کوروش اعتمادی ونوری علا، ایشان مصدرکار معرفی میشدند، ضرورتی برای این خود نمایی ها وقیل وقالها نبود.

بایک نگاه اجمالی میبینیم، عموم دست اندرکاران مبارزه ایرانیان خارج ازکشور درگروه سوم که تعریف شد قراردادند ازباب مثال چه تفاوتی بین شورای ناپیدا وکنگره همبستگی ودکان نوری علا وجود دارد اتفاقا قدیمی ترین آنها که همین ماده ۱۱ را درعبارتی سبک تر، خواسته مبارزه خود قرارداد همین کنگره همبستگی بود که امروز آقای رضا تقی زاده از مبلغین آن محسوب است. تفاوت این گروه های اسمی فقط درشخصیت متصدیان آنهاست که تمامی آنها قرص «منم» را خورده اند و چنان هم مبتلا به بیماری (توهم خودکسی بودن) شده اند که بعد ازسی سال تلاش هنوز نمیخواهند بفهمند که فرهنگ ایرانی مجالی به خودنمایی آنان نمیدهد و هیچ ایرانی حقیقی بافرهنگ، آنها را تحویل نمیگیرد.

**کنگره همبستگی نه تنها پیشگام وزمینه ساز تجزیه ایران بوده است بلکه پیشگام لاتاری گذاشتن سلطنت هم بوده است،** که اکنون همانند شورای ناپیدا ودکان نوری علا دیگر حتی پایبندی به سلطنت حاصل لاتاری! را هم حذف کرده اند؛ میدانید چرا؟

زیرا همانطور که در تحریرات قبلی (خصوصی برای ایرانیان خارج از کشور) <sup>۱</sup> ارائه بحث و سند شد عملجات آمریکائی مستقردر شورای ناپیدا وکنگره همبستگی انحصارا هریک درجهه خاصی برای استقرارسلطه آمریکا مامور شده و فعالیت دارند. عمله مجری کارو طرح ودستور آمراسـت.

## قابل توجه آقای رضا تقی زاده

ویکتور هوگو عبارت معروفی دارد که میگوید:

**<در دل انسان خرابی هائی بوجود میآید ولی مهم اصلاح آن خرابی ها وبازگشت به اصل است>**

انسان ها بمناسبت فعال بودن در مسیراثتباهاـت و خرابی هائی قرار میگیرند که برخی مقاوم وبرخی نامقاوم هستند. این امر طبیعت انسان است ولی مهم توقف حرکت از مسیر خرابکاری وگناه وکجروی است. بارزه وعلامت توقف در حرکت خرابی های دل، اعلام توقف وبیان حقیقت وعلت آلوده شدن به گناه وکجروی است. در حقوق سیاسی این امر بنام انشعاب از فعالیت سیاسی و اقرار به اشتباه ملحوظ، و در امور کیفری بنام اقرار به خطا وتعهد به راستکاری صورت میگیرد که در موارد خاصه سبب تعلیق مجازات بمدت مطلوب است، ودر حقوق اسلامی با عنوان توبه جریان مییابد.

در هر دوی موارد چه در حقوق اسلامی ویا حقوق مدرن شرط قبول توبه، جبران خسارات وارده به طرف از باب ولنـگاری وخطاکاری است که اگر زیان دیده شخص طبیعی باشد باید تامین رضایت اوگردد و اگر جامعه وکشور باشد باید توبه کننده خدماتی انجام دهد که با خطای به حقوق مردم موازنه داشته باشد.

در تطبیق مورد با عمل آقای تقی زاده، دو کار ضرورت تامه دارد:

نخست- عدول از امضا واعلام رفع اثر از آن، آنهم نه به اعتبار خلق وخوی افراد بلکه به اعتبار اشتباه خود وحائز وغالب شدن حقیقت بر قلب و ناسره، که بالطبع کناره گیری خودشان از دارو دسته های تجزیه طلب را در صدر خواهد داشت.

دوم- ادامه همین تلاشها که در مقاله اخیرشان در راستای محکومیت فدراتیو وتجزیه کشور مشاهده شد، که شاید خدمتی گردد تا گمراهان دیگر هم به عمل ایشان تاسی کنند به امید آینده پیش روی ایشان.

## سخن آخربا آقای تقی زاده

آنچه عرض شد درخواست ایران بی کس ومجروح است، باشماست که پذیرا باشید ویا درتکه، تکه کردن ایران مجروح وبیمار، شرکت داشته باشید که اکنون هم دارید.

<sup>۱</sup> - <http://1400years.org/AmirFeyz/KhossusiBarayelranianKharej-2-16Aug2014.pdf> (بخش ۲)

(بخش ۱) <http://1400years.org/AmirFeyz/KhossusiBarayelranianKharej-1-08Aug2014.pdf>

